

مسئولیت ناشی از فعل غیر

قانونگذار در بعض احوال برای اشخاص معین فرض مسئولیت کرده و این اماره قانونی استثنائی بر قواعد عمومی مربوط بمسئولیت بشمار می‌رود زیرا طبق قواعد عمومی مربوط بمسئولیت ، شخص زیان دیده باید تقصیر مسئول و وجود رابطه سببیت بین خطای مذکور و زیان حاصل را بداد گاه ثابت کند درحالیکه در موارد فرض قانونی مسئولیت ، بار اثبات وقوع تقصیر و رابطه سببیت بین تقصیر و زیان پیش آمده از عهده شخص زیان دیده برداشته شده است . در این موارد در حقیقت اماره قانونی بر وجود قبلی تقصیر و رابطه سببیت بین آن و ضرر پیش آمده وجود دارد .

فرض مسئولیت در قانون مدنی فرانسه طی دو عنوان وضع شده یکی مسئولیت ناشی از فعل غیر *La responsabilité du fait d'autrui* و دیگر مسئولیت ناشی از اشیاء *La responsabilité du fait des choses*

نقش امارات قانونی در مسئولیت و اختلاف رویه قضائی با دکترین : معمولاً الزام باثبات تقصیر عامل زیان برای شخص زیان دیده بار سنگینی است و غالباً زیان دیده در انجام این تعهد با شکست روبرو میشود و در نتیجه زیانی که بر او وارد آمده ، تدارک و ترمیم نمی‌یابد . بهمین دلیل ، در بعض موارد قانون زیان دیده را از این الزام و اجبار معاف میسازد و این معافیت از طریق تأسیس امارات تقصیر علیه بعض اشخاص معین می‌باشد برای ترمیم زیان وارده باشخص ثالث ، خواه از جانب افرادی که تحت رقابت قرار دارند و خواه بوسیله اشیائی که مالکیت و یا حفظ و حراست آنها دارند . بنابراین اماره قانونی تقصیر ، از این نظر که زیان دیده را از وظیفه اقامه دلیل معاف میسازد ، یک نوع تشدید مسئولیت است .

مواد ۱۳۸۴ (مسئولیت ناشی از فعل غیر و ناشی از اشیاء موسوم به جامد و بیروح) ، ۱۳۸۵ (مسئولیت متوجه مالک حیوان) و ۱۳۸۶ (مسئولیت متوجه صاحب

بنا و ساختمان) که اماره و فرض قانونی مسئولیت را بشرحی که گفته شد دربردارند در حقوق مدنی فرانسه اهمیت فوق العاده‌ای یافته‌اند زیرا رویه قضائی و دکتورین همه نبوغ و ذوق و استعداد خود را بکار برده‌اند تا در برابر توسعه ماشینسیم اجراء و انطباق مسئولیت مذکور را توسعه دهند. و در همین زمینه یعنی توسعه ماشینسیم است که رویه قضائی و دکتورین بطور آشکاری تحت تأثیر تئوری های موضوعی **Théories objectives** قرار گرفته‌اند که مبنای چنین مسئولیتی را ناشی از خطر و ریسک پدید آمده میدانند. حتی ادعا شده که راه‌حلهای برگزیده شده از جانب رویه قضائی و دکتورین نشان میدهد که مفهوم تقصیر بکلی ترک و تئوری خطر اتخاذ شده است. اما این ادعا درست نیست و آخرین آراء دیوان کشور فرانسه بصراحت نشان میدهد که رویه قضائی همچنان پای بند و مقید به مفهوم تقصیر می باشد و مواد ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ را از طریق امارات تقصیر تشریح میکند.

فکر اساسی و کلی که این امارات را توجیه می نماید اینست که بعض اشخاص عهده دار مراقبت اشخاص دیگر و یا برخی اشیاء هستند یعنی روی این اشخاص و یا روی این اشیاء قدرت اداره و نظارت دارند. پس عادلانه است که بموازات این قدرت الزامات خاصی هم از نظر انتخاب و بخصوص مراقبت وجود داشته باشد.

بنابراین اگر خسارتی بوسیله شخص و یا شیئی که تحت مراقبت ایشان می باشد، پدید آید می توان فرض تقصیر اشخاص مذکور را کرد و آنها را مسئول اعلام داشت نهایت دامنه و قدرت این اماره بر حسب موارد مختلف می باشد (بحث امارات مطلق و نسبی در حقوق فرانسه)

ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه چنین میگوید :

« شخص نه تنها از خسارتی که بر اثر فعل خود پدید می آورد، مسئول است بلکه همچنین نسبت بزیان حاصل از فعل اشخاص که او جوابگویشانست و یا بوسیله اشیائی که او تحت حفاظت خود دارد، مسئول می باشد.

۱ - پدر، و مادر پس از فوت شوهر، مسئول خساراتی هستند که اطفال صغارشان که با آنها زندگی میکنند، پدید می آورند.

۲ - مخدومین و متبوعین از خسارت ناشیه از عمل خادمین و تابعین خود در انجام وظائفی که بخاطر آن ایشان را استخدام کرده‌اند.

۳ - معلمین و افزارمندان ، از خسارت ناشیه از فعل محصلین و شاگردان خود در زمانی که تحت مراقبت ایشان قرار دارند .

جنبه حصری احصاء - پیداست احصائی که بوسیله ماده ۱۳۸۴ بعمل آمده ، بشدت حصری و تحدیدی است و مفسر حق توسعه دادن داسنه اجرای آنرا ندارد . بطور کلی در حقوق اسلامی هم این قاعده وجود دارد که قیاس نسبت بموارد استثنائی ممنوعست و در حقوق فرانسه هم ، رویه قضائی با این استدلال که امارات فوق الذکر بر خلاف اصل و در حکم استثناء بر قاعده کلی حقوق روم *Actori incumbit probatio* بار دلیل متوجه مدعی است (البینه علی المدعی) می باشد تأکید دارد که نمی توان آنرا بموارد مشابه سرایت داد . براین اساس رویه قضائی فرانسه وجوب عدم توسع در تفسیر موارد ذکر شده بوسیله ماده ۱۳۸۴ و لزوم عدم قیاس بر مضمون ماده را تأکید کرده است مثلاً دیوان کشور فرانسه در ۶ فوریه ۱۹۳۹ راجع بموردی صریحاً رأی میدهد که زوج مطلقاً مسئول اعمال زوجه خود نخواهد بود ، (مجله هفته حقوقی ۱۹۳۹ ص ۱۱۵۸ x ۲۱ اکتبر ۱۹۰۱ دالوز ۱۹۰۱ - ۱ - ۵۲۴)

یا اینکه دیوان عالی کشور فرانسه در ۲۶ آوریل ۱۹۲۰ رأی داده که شوهر ، در صورتی که زن خود را مأمور سبادت بعمل نامشروعی سازد ، شوهر تنها مسئول فعل شخصی خود خواهد بود (دالوز ۱۹۰۱ - ۱ - ۵۲۴)

البته اگر زوجه در کاری تابعه (*préposée*) همسرش باشد ، در اینجا مسئولیت شوهر ب صفت و سمت زوجیت نخواهد بود ، بلکه بعنوان متبوع *Commettant* مشارالیه مسئول زیان حاصل از جانب تابعه خود را خواهد داشت . (دادگاه پاریس دسامبر ۱۹۱۷ دالوز ۱۹۱۹ - ۱ - ۴۳)

(لیکن دادگاه ریوم حکمی صادر کرده وطی آن شوهر را از اینکه مانع سوار شدن زوجه اش بر دوچرخه بدون چراغ در هنگام شب نشده مسئول دانسته (حکم ۱۹ مه ۱۹۵۲ سیری ۱۹۵۲ - ۲ - ۱۸۰) استاد مازو از این حکم در مجله فصلی حقوق مدنی (۱۹۵۳ صفحه ۱۱۰) انتقاد کرده است .

وباز از مواردی که رویه قضائی فرانسه تأکید کرده که از تفسیر موسع ماده ۱۳۸۴ و قیاس بر احوال مذکوره در آن باید اجتناب ورزید رأی دیوان عالی

کشور فرانسه در ۱۵ ژوئن ۱۹۳۴ (دالوز هفتگی ۱۹۳۴-۵۰۷) ورأی محکمه شوله Cholet در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۴۸ (دالوز ۱۹۴۸ - ۳۷۲) می باشد دائر بر اینکه عمو مسئول زبانی که برادر زاده اش که تعطیل خود را نزد او میگذراند بشالشی وارد میسازد ، نیست .

و همینطور طبق رأی دادگاه سن (۳۱ دسامبر ۱۹۲۸ ، مجله هفته حقوقی ۱۹۲۹ ص ۲۵۰) پزشکی که بر اثر خطرناک بودن حال بیماری که معالجه او را بعهده دارد و همچنین کمبود وسائلش برای علاج او ، از جراحی یاری میجوید مسئول اعمال مسئولیت آور این جراح نخواهد بود ، و این طبیب فقط متکفل پرداخت مخارج جراح خواهد بود .

وباز بر همین اساس رأی دادگاه پاریس در ۲۴ نوامبر ۱۹۳۷ (مجله هفته حقوقی ۱۹۳۸ شماره ۹۰۵) تأکید کرده که حتی اگر پزشکی ، پزشک دیگری را بجای خود قرار دهد باز پزشک نخستین مسئول اعمال پزشک دوم نخواهد بود (دادگاه بوردو ۱۵ ژوئن ۱۹۳۵ مجله هفته حقوقی ۱۹۳۵ ص ۱۱۳۴) مگر اینکه طبیب اخیر الذکر که جانشین او شده تابع طبیب نخستین باشد .

وباز از جمله آرائی که نشان میدهد موارد احصائی در ماده ۱۳۸۴ قابل تسری بحالات دیگر نیست رأی دیوان عالی کشور فرانسه است (شعبه جنائی) در ۲۴ اکتبر ۱۹۳۵ (دالوز هفتگی ۱۲۹۳۶ - ۲۳) دائر بر اینکه کارخانه اتومبیل سازی مسئول حادثه ای نیست که مسبب آن خریداری باشد که در اثناء مراجعه برای خرید اتومبیل ، یک اتومبیل را امتحان میکند و در اثناء امتحان سبب توجه زیان بد دیگری گردد .

مسئولیت مدنی شامل غرامت نمی شود :

مسئولیت انسان از عمل غیر فقط در حوزه مسئولیت مدنی اعمال میشود و در موارد مسئولیت جنائی قابل انطباق نیست یعنی هیچ کیفر جنائی را که بخاطر عمل غیر مشروع مرتکب صادر میشود نمی توان متوجه مسئول از عمل غیر دانست .

الزاسی که شخص مسئول از عمل غیر دارد فقط شامل جبران خسارت و متعلقات آن از قبیل هزینه داد گستری و یا زیان دیر کرد و بطور کلی آنچه صرفاً جنبه مالی دارد ، میشود . اما وقتی فاعل بعنوان یک عقوبت و کیفر محکوم بتأدیه

غرامت و جریمه میشود مسئول مدنی افعال وی الزامی نخواهد داشت زیرا مجازات شخصی است و هرگز در اعمال مجازات، دیگری را نمی‌توان جانشین محکوم ساخت دیوان عالی کشور فرانسه طی رأی مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۲۱ خود در این زمینه میگوید:

Que la responsabilité civile, en principe et sauf exceptions consacrées pas des lois spéciales, est limitée aux restitutions, dommages-intérêts et depens; qu'elle ne s'applique pas aux amendes prononcées, l'amenade étant une peine et toute peine devant être personnelle comme le fait délictueux qui l'a motivée.

دیوان عالی کشور فرانسه با توجه به همین استدلال در آرائی که ۲۱ دسامبر ۱۹۲۷ و اول اوت ۱۹۳۱ صادر کرده، متذکر شده که بطریق اولی این حکم، سبب التزام در مسئولیت مدنی هر چه که باشد، در مواردی که محکومیت مرتکب فعل اکراه بدنی (Contrainte par corps) باشد، جاری خواهد گردید.

مسئولیت پدر و مادر:

اصولا مسئولیت طفل صغیر مادام که بسن رشد قانونی نرسیده متوجه پدر می‌باشد و قانون مادر را پس از فوت شوهر مسئول می‌شناسد. معذک در زمان حیات پدر هم مادر ممکن است مسئول تربیت و مراقبت طفل شناخته شود و آن وقتی است که حفظ کودک از طریق دادگاه با و تفویض شده خواه در دنبال طلاق و یا تفریق جسمانی séparation de corps خواه بعلت عزل پدر از مقام ولایت و اختیارات پدری، و یا بعلت اینکه پدر غیبت طولانی کرده و یا در حالی باشد که قادر باظهار اراده خود نیست (ماده ۳۷۳) بنابراین یکی از مطالبی که در این زمینه قابل توجه است و آراء محاکم فرانسه هم بدان اشاره کرده‌اند اینست که بین پدر و مادر مسئولیت تضامنی وجود ندارد یا پدر و یا مادر مسئول خواهند بود و در عین حال هر دو نمی‌توانند مسئول باشند.

بدین ترتیب قانون مدنی فرانسه برای پدری که فرزند صغیرش تحت رعایت و تربیت او قرار دارد نسبت به اعمال عمد زیان آور این طفل فرض و اساس قانونی وضع کرده است.

دیوان عالی کشور فرانسه در شش ژوئیه ۱۹۴۶ و ۳ نوامبر ۱۹۴۲ طی آراء خود مبنای این حکم قانونی برضد پدر را توضیح میدهد و متذکر میشود «سلطه و اقتداری که پدر نسبت بفرزند خود دارد محدود بآنچه از لحاظ با سواد کردن و بمدرسه فرستادن فرزند بر او واجب میشود، نیست بلکه دامنه این سلطه بوجود رعایت و مراقبت از طفل و ممانعت از اضرار بغير هم بسط می یابد.»

بنابراین مادام که فرزند صغیر است و با پدر خود زندگی میکند قانون مدنی فرانسه این امر را بعنوان یک اماره و قرینه قانونی فرض کرده حاکی از اینکه پدر از او رعایت و مواظبت میکند.

قانون مدنی فرانسه همچنین در مورد کودک طبیعی (enfant naturel) مسئولیت را متوجه پدر و یا مادر میداند که مسئولیت اداره کودک را بعهده گرفته اند و برای فرزند خوانده، مسئولیت متوجه کسی است که فرزند را بفرزندی خود قبول کرده است. در این زمینه دادگاه سن در ۶ مارس ۱۹۵۱ رأی صادر کرده که بموجب آن برای اثبات مسئولیت مدنی کسی که طفلی را بفرزندی قبول کرده باید مشارالیه باین امر شخصاً اعتراف داشته باشد و یا اینکه سمت فرزند خواندگی بحکم قضائی ثابت شده باشد و دادگاه سن در همین مقوله میگوید:

Que sont exclues les personnes dont le lien de filiation en ligne directe et du premier degré, n'est pas juridiquement établi sur le mineur.

تکلیف قائم مقام پدر چیست؟

اما آیا مسئولیت موضوع بند دوم ماده ۳۸۴ متوجه قائم مقام پدر هم می باشد در بعض قوانین مدنی جدید چون قانون مدنی جدید مصر و یا پروژه جدیدی که برای یک قانون مدنی مشترک بین ایتالیا و فرانسه تنظیم شده مسئولیت جد را نسبت بنوه اش در صورتیکه قائم مقام پدر شود و یا مسئولیت وصی را نسبت بافرادی که مشمول وصایت او میشوند، صریحاً ذکر کرده اند ولی بند دوم ماده ۳۸۴ صریحاً از پدر و مادر پس از فوت پدر اسم می برد. معذک راجع به مسئولیت وصی از اعمال زیان آور کسانی که مشمول وصایت او هستند بین رویه قضائی و دکترین در فرانسه مدت زمانی اختلاف نظر بود. مثلاً Pothier، استاد بزرگ حقوق مدنی

فرانسه وصی را از نظر مسئولیت عمل زیان آور صغیر مشابه پدر میدانند و میگویند :

“Non seulement la personne qui a commis le délit ou le quasi-délit, est obligée à la réparation du tort qu'elle a causé, celles qui ont sous leur puissance cette personne, telles que sont les pères, mères, tuteurs et précépteurs sont tenues de cette obligation”

لیکن اکثر علمای حقوق فرانسه معتقدند که بیان اشخاص در ماده ۱۳۸۴ بر سبیل حصر آمده و دادگاه سن بریوک *Saint Brieuc* در رأی مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۳۹ و دادگاه پواتیه در ۹ فوریه ۱۹۴۱ همین معنی را در آراء خود متذکر شده و تأکید کرده اند نمی توان بروصی مسئولیتی را تحمیل کرد که قانون بهیچوجه در مقام وضع آن نبوده است. و بطور کلی رویه قضائی فرانسه شمول مسئولیت موضوع بند دوم ماده ۱۳۸۴ را بروصی ممکن نمیداند.

یک رأی جالب

اینک پیش از بیان جریئات قابل ملاحظه دیگر احکامی که از طرف دادگاههای فرانسه راجع بمسئولیت موضوع بند دوم ماده ۱۳۸۴ صادر شده متن کامل و مشروح یکی از آراء مهم صادره از طرف دیوان عالی کشور فرانسه که بعلت اهمیت موضوع کاپیتان آنرا در کتاب خود تحت عنوان آراء بزرگ رویه قضائی مدنی آورده عیناً نقل می کنم.

Arrêt de la chambre des requêtes de la cour de cassation x31 oct. 1921

رای شعبه عرایض

«محکمہ : راجع به تنها ادعای مورد استناد برای رسیدگی تمیزی بعنوان

تخلف نسبت بمواد ۱۳۸۴ و ۱۱۴۸ قانون مدنی و ماده ۷ قانون مصوب ۲۰ آوریل ۱۸۱۰ بعنوان فقدان و تعارض جهات و نداشتن مبنای قانونی :

با توجه اینکه در حکم مورد اعتراض آقای رانگیس از نظر مدنی مسئول

حادثه ای شناخته شده که مسبب آن فرزند صغیر او بوده و شکایت و اعتراض بحکم هم بر این اساس است که محکوم برای جلوگیری از افعال مجرمانه در عدم امکان مادی و مطلق بوده ،

لیکن با توجه باینکه از ملاحظات حکم مورد اعتراض چنین برمی آید که حادثه مذکور در حوالی ظهر و نیم ساعت بعد از ظهر روی داده و محل وقوع حادثه مقابل مدرسه ای بوده که فرزند صغیر رانگیس در آنجا بدون اینکه کسی از او مراقبت کند بازی میکرده و در همان حال مشارالیه کپسولی از مس روی دیوار قرار میدهد و در حالیکه باسنگ روی آن میکوبیده آنرا منفجر میسازد . . .

با توجه باینکه رای اعلام میدارد که پدر، بطور کلی مسئول زیان وارده بوسیله فرزند صغیرش می باشد و نمی تواند ثابت کند که او قادر بجلوگیری از حادثه نبوده است زیرا صرف غیبت پدر که موجه و قانونی هم شناخته شده، نمی تواند بعنوان دلیل عدم قدرت او بجلوگیری از حادثه تلقی گردد، و بنا براین، رای مورد اعتراض با اعلام اینکه پدر از مسئولیت قانونی خود معاف نشده هیچیک از مواد مشارالیه در تقاضای رسیدگی تمیزی را نقض نکرده است و محکمه باین جهات تقاضای مذکور را رد میکنند.

تفسیر کاپیتان

راجع باین رأی شعبه عرایض دیوان عالی کشور فرانسه، کاپیتان شرح و بحثی دارد که از نظر روشن شدن حدود قوت و اعتبارات امارات قانونی موضوع ماده ۱۳۸۴ جالب است، زیرا در ماده ۱۳۸۴ دو نوع اماره قانونی وجود دارد، مطلق و نسبی، امارات مسئولیت که علیه پدر و افزارمند (Artisan) ناشی از عمل زیان آور فرزند صغیر و یا شاگرد مبتدی ایشان وجود دارد، نسبی است یعنی از پدر و یا صنعتگر در این حال دلیل مخالف پذیرفته میشود و آنها می توانند ثابت کنند که قادر بجلوگیری از عمل زیان آور نبوده اند، برعکس قانون نسبت بمخدومین و متبوعین و بطور کلی کارفرمایان شدید تر بوده و اجازه اقامه چنین دلیلی را بآنها نمیدهد یعنی اماره مسئولیتی که علیه مخدوم و متبوع در زیان حاصل از عمل خادم و یا تابع او ناشی میشود، اماره قانونی مطلق و غیر قابل رد می باشد، با ذکر این مقدمه اینک بشرح کاپیتان در مورد رای شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه توجه فرمائید:

ماده ۱۳۸۴ پس از احصاء اشخاص مسئول از عمل غیر برای برخی از این اشخاص در دو بند اخیر قدرت اماره ای را که قانونگذار علیه آنها وضع کرده

مشخص میسازد ، دربند ماقبل اخیر ماده اینطور گفته شده «مسئولیت فوق الذکر در صورتی تحقق خواهد یافت که پدر ، مادر و یا افزارمند نتوانند ثابت کنند که نمی توانسته اند از فعل منشاء مسئولیت خود جلو گیری نمایند» . با اینوصف اگر موقعیت معلمان مدارس را که از تاریخ تصویب قانون ۵ آوریل ۱۹۳۷ ، تحت حکومت قواعد عمومی حقوق از لحاظ اثبات تقصیر درآمده اند کنار بگذاریم ، متن ماده بوسیله تصریح و بوسیله سکوت در مقام بیان (prétérition) یک رژیم خاص ادله برای طبقات اشخاص که موضوع آماره مذکوره هستند برقرار کرده است .

۱ - پدر یا مادر و افزارمندان را قانون فرض کرده که مسئولند مشروط بر اینکه نتوانند ثابت کنند که نمی توانسته اند مانع عمل زیان آور شوند .

۲ - مخدومین و متبوعین که ماده وضع آنها را بسکوت برگزار می کند . راجع به پدر و مادر و افزارمند که قانون اجازه میدهد با اثبات اینکه ، نمی توانسته اند از عمل منشاء مسئولیت جلو گیری کنند ، از مسئولیت معافیت یابند ، این سؤال پیش آمده که موضوع دقیق این دلیل چه باید باشد .

آیا کفایت ثابت کنند که در وظیفه مراقبت و مواظبت که قانون نسبت بفرزندان صغار و شاگردان نوآموز متوجه آنها ساخته کوتاهی نکرده اند ، یا اینکه باید وجود پیش آمد خارجی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل دفعی ، مثل قوه قاهره یا مورد حادثه ناگهانی یا وجود تقصیر مجنی علیه و یا خطای شخص ثالثی را که مسبب خسارت گردیده ثابت کنند ؟

رویه قضائی و علمای حقوق با هم خیلی زود توافق یافتند که آنچه از این طبقه مسئولین قانون خواسته ، همان دلیل نوع اول است یعنی آنها باید ثابت کنند که در وظیفه مراقبت و نگاهداری که قانون نسبت بفرزندان صغار و یا شاگردان نوآموز متوجه ایشان ساخته کوتاهی و فتوری نداشته اند لیکن رویه قضائی و دکترین در این زمینه سخت گیر است و هر دلیلی را باسانی نمی پذیرد .

بدین ترتیب این اشخاص یا باید مراقبت عملی و آگاهانه خود را در اثناء تحقق خسارت ثابت کنند زیرا صرف غیبت اشخاص مذکور در موقع وقوع حادثه منشاء خسارت ممکن است تقصیری را تشکیل دهد و یا اینکه باید ثابت کنند که در تعلیم و تربیت عمومی که منظمآ و مرتبآ تا آن لحظه بکودکان و یا نوآموزان

خود داده اند هیچ کوتاهی نکرده اند ، و یا اینکه جنبه عادتاً غیر خطرناک عملی را که ایشان به صغیر اجازه داده اند اثبات کنند (شعبه جنائی دیوان کشور ۲۷ ژوئیه ۱۹۴۴ راجع بیک حادثه واقع شده بر اثر دوچرخه).

در مورد مخدومین و متبوعین ماده ۳۸۴ قدرت و حدود اماره را مشخص نکرده است. محاکم و مؤلفان حقوقی مدنی توافق دارند که اماره مذکوره مطلق بوده و دلیل مخالف را طرد و رد میکنند.

گزارشها و مذاکرات مقدماتی که برای تصویب قانون مدنی بعمل آمده در این زمینه صراحت دارد. در اثناء این مذاکرات تأکید شده که اگر قرار شود بین نفع مخدوم و زیان دیده یکی انتخاب شود نفع زیان دیده مقدم است زیرا عادلانه بنظر میرسد که مخدوم خطرات و ریسکهای خدماتی را که از آن نفع می برد ، تحمل کند ، آیا از این عنوان می توان چنین نتیجه گرفت که اماره مسئولیت مخدومین و متبوعین نه بر اساس تقصیر بلکه بر پایه خطر بنا شده ؟ یعنی نه بر اساس کوتاهی و تقصیر در مراقبت و مواظبت بلکه بر پایه منفعت و سود حاصل ؟ نه مؤلفین حقوق و نه محاکم فرانسوی تا این حد پیش نرفته اند زیرا قطع نظر از ترجیحی که آنها برای دکتترین مسئولیت مبتنی بر تقصیر قائلند این نکته را خاطر نشان ساخته اند که اگر نظریه مسئولیت مبتنی بر خطر پذیرفته شود ، نتایج دیگری بدست خواهد آمد و بخصوص ترمیم ضرر شخص زیان دیده بطور کامل عملی نخواهد شد بلکه مبلغی بطور مقطوع فقط با و پرداخت خواهد شد . مفهوم تقصیر باید حفظ شود ولی با مفهوم نمایندگی و نیابت *Notion de représentation* تلفیق شود : تابع چون در اجرای وظایف خود بجا و در محل و بحساب متبوع خود عمل میکند بنابراین الزاماً خطای او هم تقصیر متبوع تلقی میشود .

معدلتک بنظر ما میرسد که درست نیست که اماره قانونی علیه مخدومین و متبوعین با هیچ دلیل قابل رد نباشد . ما فکر می کنیم که اقامه چنین دلیلی ممکن است اما دلیل مذکور باید دلیل مشخص و روشن یک حادثه غیر مترقبه *Cas fortuit* یا یک قوه قاهره *Force majeure* و یا حتی دلیل وجود تقصیر آشکار و بینی از جانب مجنی علیه و یا شخص ثالث باشد ، ولی مشروط بر اینکه دلیل مذکور دقیقاً صفات غیر قابل پیش بینی بودن و غیر قابل دفع بودن را

نشان دهد تا بتواند بعنوان امر غیر مترقبه و یا قوه قاهره تلقی شود ، کارفرما که نسبت به کارگر و تابع خود قانوناً مانند حافظ و دارنده یک شیئی مادی مسئول فرض شده این مسئولیت بخاطر قدرت کنترل (نظارت) و اداره ایست که او بر تابع خود دارد و می تواند خود را از قید این مسئولیت باین شکل برهاند که ثابت کند علت اصلی موجد و مولد زیان *La cause génératrice de dommage* تابع او و یا شیئی او نیست .

باتکاء اصول منطق و انصاف نیز مؤلفین حقوقی تفاوت رفتاری را که در این ماده نسبت به دو دسته وجود دارد توجیه کرده اند ، با این استدلال که پدر و مادر و افراسندان فرزندان و غالباً نوآموزان خود را انتخاب نمیکنند و صرف نظر از این مسئولیت هم در مقابل حق اداره ای که دارند قانون وظایف سنگینی متوجه آنها ساخته است بنحوی که آنها با اثبات اینکه وظایف خانوادگی و الزامات قانونی خود را بدقت و بادلسوزی انجام داده اند ، از مسئولیت موضوع ماده ۳۸۴ معاف خواهند شد در حالیکه مخدومین و تجار بنا با اختیار و اراده خود تابعین خود را اعم از خدمتگذار و یا کارگر انتخاب میکنند و از خدمات ایشان ، آسایش و یا منفعت بیشتری عائدشان میگردد .

بهر حال مراجعه متبوع به تابع خود برای ترسیم خسارت و زیانی که او پرداخت کرده ، از طرف رویه قضائی بالاتفاق مورد قبول است .

حقوق های خارجی مدرن در این زمینه کمتر از حقوق ما سخت گیرند . مثلاً ماده ۵۵ قانون مدنی سوئیس و ۸۳۱ قانون مدنی آلمان مخدومین و متبوعین را نیز نظیر پدر و مادر و افراسندان می شناسد و بهر دو دسته اجازه میدهد که از الزام خود به ترسیم خسارت معافیت یابند بدین طریق که فقط ثابت کنند که آنها کلیه دقت و مواظبت مورد انتظار را برای مراقبت فرزند و یا انتخاب تابع خود بعمل آورده اند و بدین ترتیب در زیانی که حادث شده ، تقصیری نداشته اند .

رویه قضائی فعلی در فرانسه

در اینجا شرح کاپیتان برای دیوان کشور فرانسه که نقل شد پایان می پذیرد و بعنوان نتیجه لازمست یادآوری شود که طبق رویه قضائی فرانسه و باستناد آراء شعبه مدنی دیوان کشور فرانسه مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۵۵ و ۲۰ دسامبر

۱۹۶۰ و ۲ نوامبر ۱۹۶۱ اماره قانونی مسئولیت علیه پدر و مادر در دو صورت زیر اثر خود را از دست خواهد داد :

الف - وقتی که والدین ثابت نمایند که عمل زیان آور کودک منحصرأ ناشی از قوه قاهره و یا فعل شخص ثالثی بوده که از نظر کودک و خود آنها جنبه قوه قاهره دارد، در این صورت عمل کودک موجد و مولد خسارت نیست .

ب - وقتی که والدین ثابت کنند که آنها در انجام وظیفه مراقبت و تربیت خود راجع بکودک کوتاهی نکرده اند و با کلیه احتیاط مورد انتظار رفتار کرده اند و با وجود این احتیاط نتوانسته اند پیش بینی خسارت مذکور را بنمایند و یا مانع وقوع آن شوند .

شرایط مسئولیت پدر

یکی از شرایط انطباق مسئولیت موضوع بند دو ماده ۱۳۸۴ بر پدر و مادر، صغیر بودن کودک است و طبق رویه قضائی حالت **Emancipation** را هم دادگاههای فرانسه در حکم رسیدن بسن رشد قانونی میدانند .

شرط دیگر که در آراء قضائی فوق العاده مورد بحث و دقت نظر قرار گرفته اینست که صغیر با پدر و مادر سکونت داشته باشد ، (Cohabitation) یعنی با هم مشترکاً زندگی کنند ، بنا براین اگر کودک برای تربیت به ثالثی سپرده شود (مثلاً بیگ پانسیون) و اقامت در خانه والدین خود را ترک گوید ، مسئولیت ایشان هم از بین خواهد رفت زیرا لازمه وجود این مسئولیت ، مراقبت و نظارت بر احوال کودک است و در این حال دیگر پدر و مادر مراقبتی بر فرزندشان ندارند مثلاً پدر و مادری فرزند خود را برای اتمام تحصیلاتش بشهر دیگری فرستاده اند در این حال بموجب رأی شعبه مدنی دیوان کشور فرانسه مورخ ۴ ژوئیه ۱۹۴۱ پدر و مادر مسئول نخواهند بود مشروط بر اینکه در اعزام طفل بآن شهر مرتکب بی احتیاطی نشده باشند .

در اینجا یک نکته قابل توضیح بنظر میرسد و آن مسئولیت این اشخاص ثالث است که کودک بآنها سپرده شده . اشخاص مذکور اعم از اینکه جد ، عمو و خلاصه بستگان نزدیک طفل باشند یا اینکه پانسیون و یا مؤسسه خصوصی باشد مشمول ماده ۱۳۸۴ نخواهند شد و بنابراین در صورتی در زمان مراقبت و نگاهداری

کودک وسیله ایشان ، زیانی از ناحیه کودک متوجه شخص ثالث شود ، طبق رای مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۵۶ شعبه عرایض دیوان کشور ، شخص ثالث طبق قواعد کلی وعمومی حقوقی باید ثابت کند که آنها در مراقبت و نگاهداری خود مرتکب تقصیر شده‌اند .

بعلاوه در همین حال یعنی در وقتی که از عمل صغیر زیانی حادث میشود و او بشخص ثالثی سپرده شده ، می‌توان خسارت وارده را بسوء تربیت ویاسرمشق و نمونه‌های بدی که از طرف والدین بکودک ارائه شده انتساب داد اما در این حال دیگر موضوع مشمول بند دوم ماده ۱۳۸۴ نیست و در صورت اثبات تقصیر ، والدین بعنوان اینکه مسئولیت شخصی دارند و شخصاً موجب زیان شده‌اند طبق ماده ۱۳۸۲ محکوم بترمیم خسارت خواهند شد (رای ۱۳ ژوئیه ۱۹۴۹ ، شعبه جنائی دیوان عالی کشور فرانسه) .

بدین ترتیب گذشته از دو راه حل که بیان شد ، در برابر اماره قانونی نسبی مسئولیت ، پدر و مادر راه سومی هم برای معافیت خود دارند و آن اینست که ثابت نمایند که فرزند صغیر ایشان در زمان حدوث ضرر تحت مراقبت و رعایت شخص دیگری بوده است .

ماده ۱۳۸۴ میگوید که پدر و یا مادر مسئول اعمال زیان آور کودکان صغیرشان هستند که با آنها سکونت دارند *enfants mineurs habitants avec eux* این جمله از طرف محاکم خیلی مورد بحث و محل اختلاف واقع شده است .

دادگاه گرنوبل در رأی مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۵۲ خود میگوید : کودک صغیر ممکن است در یک منزل واحد با پدرش زندگی نکند ولی تحت مراقبت و مواظبت او باشد مثل اینکه پدر برای سهولت رفت و آمد پسرش بمدرسه و یا بخاطر ملاحظه مقتضیات و شرایط محل سکونت خود کودک را در منزل پدر بزرگش سکونت دهد ولی خود شخصاً مراقب و مسئول تربیت او باشد .

آنچه رویه قضائی بعنوان ضابطه تعیین کرده اینست : مادام که ثابت است که پدر تربیت و مراقبت فرزندش را زیر نظر دارد و بر اعمال او کنترل و نظارت دارد ، مسئولیت او ثابت است گرچه در زیر یک سقف باهم زندگی نکنند همانطور که ممکن است پدر و پسر در زیر یک سقف زندگی کنند ولی پسر بسن رشد قانونی

رسیده و یا از او زوال حصر شده و بنابراین پدر بر افعال و اعمال وی مراقبت و نظارتی نداشته باشد.

ولی طبق رای دادگاه سن در ۱۱ فوریه ۱۹۵۲، در صورتیکه مراقبت و مواظبت طفل با دیگری باشد مثل اینکه او را به کسی برای تعلیم حرفه‌ای سپرده باشند و یا در کارگاه بعنوان کارگر مشغول شده و تابع متبوعی باشد، در این حال معلم و متبوع مذکور مسئول زیانی خواهند بود که از فعل طفل ناشی میشود.

دیوان کشور فرانسه در ۱۹ فوریه ۱۹۳۵ راجع بکودک صغیری که بمدرسه سپرده شده نظر میدهد که مدرسه چون در احوال طفل رقابت و نظارت دارد مسئول زیانی است که بوسیله او ناشی میشود. مگر اینکه ضرر ناشی از او متصل و مربوط بتقصیر پدر باشد، مثل اینکه پدر چاقوئی را در دست طفل صغیر رها کرده باشد و او با این حال از خانه رهسپار مدرسه شده باشد و یا اینکه طبق رای دادگاه دوی در ۱۷ مارس ۱۹۴۷ ضرر بسبب عیبی ناشی از تربیت خانوادگی طفل صغیر واقع شده باشد که اگر آن عیب نبود ضرر بدون آن وقع نمیشد. در کلیه این احوال پدر و مدرسه هر دو مسئول خواهند بود و یا برحسب شرائط یکی از آن دو مسئولیت خواهد داشت، مثلاً در مثال چاقوئی که پدر در منزل در دست کودک رها کرده مسئول اصلی پدر و معاون او در تقصیر و مسئولیت مدرسه خواهد بود که بایستی مراقبت کند و مانع از بکار بردن چاقو وسیله صغیر برای مجروح ساختن دیگری شود.

و باز طبق رای دیوان کشور فرانسه مورخ ۴ ژانویه ۱۹۳۴ و رای دادگاه سن در ۴ ژانویه ۱۹۵۱ و رای دادگاه پواتیه در ۲ فوریه ۱۹۵۰ اگر در روز تعطیل فرزند صغیر از مدرسه شبانه‌روزی نزد پدرش برود و مرتکب فعل زیان‌آوری شود، مسئول خسارت وارده پدر او خواهد بود زیرا در موقع حدوث ضرر طفل تحت مواظبت و مراقبت پدرش بوده و اگر پسر از قبول نظارت و سلطه پدری سرپیچی کرده، باز پدر مسئول اعمال زیان‌آور ارتكابی پسرش خواهد بود زیرا در این حال استقلال پسر از پدرش قانونی و مشروع نیست و سرپیچی و نافرمانی پسر، نتیجه تقصیر پدر در تربیت پسر و مراقبت و مواظبت از او می‌باشد، بنا بر این، این از اموری نیست که مانع از نظارت و مراقبت پدر بر پسرش باشد.

بعض مواقع اماره مسئولیت قانونی از پدر نفی میشود و بعد شخص مسئول مشمول قواعد عمومی مربوط بمسئولیت خواهد بود. مثلاً دیوان عالی کشور فرانسه در رأی مورخ ۴ ژوئیه ۱۹۵۱ حکم داده که پدر راجع به پسر صغیرش در مدتی که باعمویش اقامت داشته و زندگی میکرده مسئول نیست، اما این مطلب دلیل نیست که عمو مشمول مسئولیت موضوع بند دوم ماده ۱۳۸۴ شود، بلکه در این حال با عمو طبق قواعد عمومی مسئولیت رفتار میشود، بطور کلی در رأی مذکور دیوان عالی کشور فرانسه متذکر شده که در این حال فقط وقتی پدر را می توان مسئول شناخت که تقصیری بر عهده او و همچنین رابطه علیت بین این تقصیر و زیان وارده ثابت شود :

Mais attendu que la responsabilité du père ne pouvait, dans ces circonstances, être retenue que si une faute en relation de cause à effet avec le fait dommageable avait été établie à sa charge

پس مورد منطبق با قواعد عمومی مسئولیت می باشد.

بر همین اساس دیوان عالی کشور فرانسه در ۱ فوریه ۱۹۳۹ حکم بمسئولیت پدری داده که خود در شهر دیگری زندگی میکند ولی پسرش در اثناء اقامت در پاریس دختری را فریب داده و با وعده ازدواج با او با دختر مرتکب عمل منافی عفت شده است، در این قضیه ثابت شد تقصیری متوجه پدر می باشد از این نظر که از مدتها قبل با پسرش مکاتبه نمیکرده و دیگر نظارتی در احوال او نداشته و خلاصه او را بحال خود رها کرده بوده است، چون ثبوت این تقصیر پدر مسلم شد، دیوان عالی کشور رأی بمسئولیت پدر داد، لیکن این مسئولیتی است که منطبق با قواعد عمومی مسئولیت می باشد و اعمال مسئولیت موضوع ماده ۱۳۸۴ نیست.

فرض قانونی مسئولیت علیه پدر و مادر در صورت فوت پدر تا وقتی وجود دارد که طفل بسن رشد نرسیده است، وقتی او بسن رشد، یعنی بیست و یکسال رسید (سن رشد قانونی در فرانسه) دیگر خود شخصاً مسئول عمل زیان آوری خواهد بود که از او سر میزند، و دیگری مسئولیتی راجع باعمال او نخواهد داشت زیرا دیگر احدی نظارت و مراقبت نسبت باو ندارد، اگر چه در منزل پدر و یا بستگانش هم زندگی کند.

با اینوصف اگر وجود خطائی از جانب پدر ثابت شود ، باز اوستول ایجاد ضرر از ناحیه فرزند رشید خود می باشد لیکن در این حال دیگر موضوع مشمول مسئولیت ماده ۱۳۸۴ نخواهد بود وقواعد عمومی مربوط به مسئولیت برآن حکومت خواهد داشت .

مثل اینکه پدری با علم باینکه پسر رشید او هنوز بر رانندگی مسلط نیست وتصدیق رانندگی هم ندارد ، رانندگی اتومبیل را باو بسپارد ، در این مورد ، طبق رای دادگاه پاریس در ۲ دسامبر ۱۹۲۲ پدر بعنوان مسئول خسارت ناشیه از عمل پسر رشید خود محکوم شده است (دالوزسال ۱۹۲۳ شماره ۲ - ۴۰)

* * *

بررسی مسئولیت مهم دیگر موضوع ماده ۱۳۸۴ یعنی مسئولیت کارفرما نسبت به خسارات وارده از طرف کارگر و تحولات آن از نظر رویه قضائی خود بحث وتحقیق جداگانه ئی را تشکیل میدهد که امید است در آینده در معرض بررسی وملاحظه خوانندگان ارجمند قرار گیرد .

پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی